



# مقدمه‌ای بر جهانی شدن

به کشورهای در حال توسعه را مورد تجدید نظر قرار دهد. به عبارت دیگر، همانگونه که دولت‌ها متعهد هستند که با اتخاذ سیاست‌های اقتصادی خوب، به داد فقرا و محرومان برسند و با تخصیص بهینه منابع، به اهداف رشد اقتصادی و ارتقای سطح رفاه و پیشرفت جامعه نزدیک شوند، نهادهای بین‌المللی مدعی مدیریت جهانی هم موظف هستند که همین نوع تعهدات را در سطح جهانی بر عهده بگیرند، نه اینکه با تأثیر پذیرفتن از برخی تعصب‌ها و تبعیض‌ها و محرک‌های غیراخلاقی، خودشان را در معرض انحراف از مسیر اهداف واقعی جهانی شدن قرار دهند و جوامع در حال توسعه را هم کورکورانه به سوی پرتگاه- یا حداقل گمراهی- سوق دهند. در این رابطه، به ویژه صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در مدنظر و در مظان اتهام هستند و بسیاری از ناکامی‌های فرایند جهانی شدن را باید به حساب آنها نوشت. شاهد زنده و عادل در این زمینه نیز جوزف استیگلیتز، برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۲۰۰۱ است که سال‌ها سراقصاددان و معاون ارشد بانک جهانی بود. او در مورد

ممکن است که هیچ دلیل جامع و همه‌پسندی برای برتری ثروت نسبت به فقر وجود نداشته باشد، اما حداقل دلایل اقتصادی این برتری را تأیید می‌کنند، و به قول معروف: اگر چه پول آدم‌ها را خوشبخت نمی‌کند، اما چه بسا که جلوی بدبخت شدن آنها را می‌گیرد، البته به شرطی که این پول و ثروت، نه از طریق غارت ثروتمندان به دست آمده باشد و نه از طریق بهره‌کشی از فقرا. فرایند جهانی سازی یا جهانی شدن هم اگر واقعا مدعی آن است که با رفع موانع حرکت آزادانه اندیشه، انسان، کالا، خدمات و سرمایه در سطح جهان، می‌تواند ثروت و رفاه را در جهان بگسترده و همه انسان‌ها را - به نسبت‌هایی عادلانه و عاقلانه- از مواهب جهانی شدن برخوردار کند، بدون تردید، باید از سیاست‌های مبتنی بر غارت و بیعدالتی دست بردارد و به بازنگری در مبانی و چارچوب‌های عمومی این فرایند تن در دهد و به ویژه با توجه به سرخوردگی مدافعان جهانی شدن در اثر بروز بحران بازارهای مالی و بدتر شدن فضای کسب و کار، باید موافقتنامه‌های تجاری بین‌المللی و سیاست‌های تحمیلی

اگر فرایند جهانی سازی یا جهانی شدن واقعاً مدعی است که می تواند با سازوکارهای ویژه خود، ثروت و رفاه را در سطح جهان بگسترده و همه انسان ها را از مواهب جهانی شدن برخوردار کند، باید از سیاست های مبتنی بر غارت و بی عدالتی دست بردارد.



اولاً، رها شدن سیاستگذاران و کارگزاران جهانی شدن از عادت محدوداندیشی، و ثانیاً، پذیرفتن تعهدات انسانی و اخلاقی در سطح جهان است، در غیر این صورت، باز هم فرصت ها از دست خواهند رفت و با تجدید صحنه آرایی قدرت های تمامیت خواه جهانی، یک رویارویی بزرگ دیگر- شاید بزرگتر از انواع قبلی- در انتظار بشریت خواهد بود. در پایان لازم به توضیح است که شاید انتخاب این موضوع به عنوان موضوع ویژه این شماره مجله، آن هم در گرماگرم کشاکش های سیاسی و انتخاباتی داخلی فعلی و مناسبات رو به تیرگی در سطح منطقه و جهان، کمی بی موقع به نظر برسد، لیکن نمی توان چشم بر این واقعیت بست که غرق شدن شش دانگ در مسایل درونی و غافل ماندن از روندهای جهانی نیز جایز نیست و مصلحت در آن است که حتی در میانه بزنگاه نیز نگاهی به چشم اندازها داشته باشیم و فضای پیرامونی را رصد کنیم تا بتوانیم جهانی بیندیشیم و ملی یا منطقه ای عمل کنیم."

سردبیر

مصایب جهانی سازی می گوید: تردیدی نیست که بخشی از این رنج و محنت لازم بود، ولی به نظر من، میزان رنج و محنتی که فرایند جهانی سازی و توسعه، به هدایت صندوق بین المللی پول و سازمان های اقتصادی بین المللی، بر کشورهای در حال توسعه تحمیل کرده، بسیار فراتر از میزان لازم بوده است (جوزف استیگلیتز/ "جهانی سازی و مسایل آن" / ترجمه حسن گلریز/ نشرنی/ ۱۳۸۲/تهران).  
روی دادن حوادث مکرر در هر یک از نقاط جهان و گسترش حلقوی و پیوسته پیامدهای آن به نقاط دیگر، بارها اثبات کرده است که جامعه جهانی در صورتی به عنوان یک خانواده و یک کل به هم پیوسته، عینیت خواهد یافت، و ایده آرمانگرایانه جهانی شدن زمانی محقق خواهد شد که به بُعد انسانی آن به قدر کافی توجه شود و تمامی مناسبات جهانی به صورت منصفانه و عادلانه ای تعریف شوند و قواعد حاکم بر جهان نیز در راستای تأمین منافع عمومی و تحقق عدالت جهانی سازماندهی شوند، و رسیدن به این کیفیت هم جز از طریق گسترش موازین اخلاقی و پایدارسازی تعهدات اخلاقی میسر نیست. به عبارت دیگر، پیش نیاز جهانی شدن،